

بررسی اثر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم بین‌المللی در کشورهای منتخب اسلامی: رهیافت جاذبه

سارا معصوم‌زاده - کارشناسی ارشد اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت بازرگانی دانشگاه تبریز
مهدی شیرافکن لمسو* - عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم دریایی چابهار

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸

چکیده

صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از پردرآمدترین صنایع جهان می‌تواند، نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورها ایفا کند. گردشگری شامل خدماتی است که تأثیر زیادی بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد. در این راستا، با وجود مطرح‌شدن رژیم‌های ارزی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر جریان گردشگری، پژوهش‌های چندانی در رابطه با اثر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم انجام نگرفته است. پیشرفت‌های اخیر در طبقه‌بندی نظام‌های ارزی، محرکی شده است که در این مطالعه به بررسی اثرات رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم بین‌الملل پرداخته شود. این پژوهش، از روش جاذبه (gravity) و داده‌های تابلویی برای تخمین تعداد گردشگران واردشده از کل جهان به کشورهای منتخب اسلامی (۱۴ کشور) شامل بحرین، ایران، عراق، مصر، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، یمن، سوریه، لبنان، اردن و عمان طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۳ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که رژیم ارزی ثابت بر روند گردشگری اثر مثبت و معنی‌دار دارد و حفظ ثبات نرخ ارز برای جذب گردشگران بین‌الملل بسیار اهمیت دارد. همچنین تجارت، تولید ناخالص داخلی، مسافت، جمعیت، داشتن زبان مشترک و مستعمره‌بودن، اثر مثبت بر جریان گردشگری دارد و متغیر نرخ ارز مؤثر، نرخ ارز اسمی، داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک اثر منفی بر جریان گردشگری دارد. تمام ضرایب به غیر از متغیرهای مستعمره‌بودن و داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک به‌لحاظ آماری معنی‌دار هستند.

واژه‌های کلیدی: جریان گردشگری، رژیم‌های ارزی، روش جاذبه، کشورهای اسلامی.

مقدمه

گردشگری به‌عنوان بزرگترین صنعت خدماتی جهان از نظر درآمدزایی شناخته شده است؛ به‌طوری‌که رشد آن تغییرات اجتماعی و اقتصادی زیادی را به‌همراه داشته است. توسعه این صنعت برای کشورهای درحال توسعه که با مشکلات زیادی مانند بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی مواجه‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صنعت گردشگری از لحاظ اقتصادی، پدیده جدیدی در مبادلات بین‌المللی بوده و به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمدزایی در بسیاری از کشورها است که در صورت برنامه‌ریزی صحیح در این حوزه از صنعت می‌تواند به افزایش تولید، ارتقای سطح زندگی، رفاه عمومی و اشتغال بسیاری از عوامل تولید منجر شود. یکی از ویژگی‌های مهم گردشگری، رشد سریع آن بعد از دهه ۱۹۵۰ است. براساس آمارهای سازمان جهانی گردشگری، تعداد کل گردشگران بین‌المللی در جهان از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۱۶۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ و ۱/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۵ رسید و این روند افزایشی تا به امروز طی شده است؛ بنابراین، این آمارها حاکی از افزایش روزافزون تعداد گردشگران در سطح بین‌المللی و اهمیت این صنعت برای تمام کشورها است. توجه بیش از پیش به این صنعت از سوی سیاست‌گذاران اقتصادی، می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای مناسب برای رفع مشکلات مذکور باشد. امروزه، توسعه گردشگری در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه برنامه‌ریزان دولتی قرار گرفته است. بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیدند که برای بهبود وضعیت اقتصادی خود باید درصد یافتن راه‌های تازه برآیند (لطفی، ۱۳۸۴: ۶۳). آگاهی جوامع از منبع درآمد ارزی گردشگری، موجب شده که گردشگری مفهوم گسترده‌تری در تمام ابعاد پیدا کند و به‌عنوان یک صنعت تلقی شود (طهماسبی پاشا و مجیدی، ۱۳۸۴: ۴۰).

در این راستا، کشورهای اسلامی با برخورداری از انواع جاذبه‌های گردشگری، تاریخی و زیارتی و... می‌تواند به یکی از قطب‌های گردشگری دنیا تبدیل شود. نورد استروم^۱ (۲۰۰۵) بیان می‌کند که متوسط رشد تعداد گردشگران در منطقه خاورمیانه طی سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۰۵ حدود ۱۰٪ است که در سطح جهانی در جایگاه دوم قرار دارد. درواقع، گردشگری نوعی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی در داخل کشورها محسوب می‌شود که دارای اثرات توسعه‌ای بسیاری بوده و ارتباط بسیار نزدیکی با صنایعی مثل هتلداری و حمل‌ونقل و... دارد. گردشگری می‌تواند از عوامل مختلفی تأثیر پذیرد که یکی از عوامل مؤثر بر جریان گردشگری، رژیم‌های ارزی است. رژیم‌های ارزی در سه دسته ثابت، شناور و شناور مدیریت‌شده قابل تقسیم‌بندی هستند. رژیم ارزی ثابت در مقایسه با سایر رژیم‌های ارزی از ثبات بیشتری برخوردار بوده و اطمینان کمتری در تجارت و مالیه بین‌الملل داشته و تورم کمتری دارد. رژیم ارزی شناور بدون دخالت دولت، سازگار بازار تعدیل می‌شود و تراز پرداخت‌ها از طریق افزایش و کاهش ارزش پول ملی به تعادل می‌رسد. در رژیم ارزی شناور مدیریت‌شده، مقامات پولی از طریق دخالت در بازارهای ارز نوسانات کوتاه‌مدت را تعدیل می‌کنند که این امر مهم از طریق ذخایر ارزی ممکن می‌شود. در این راستا، با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش نیز به‌دنبال بررسی اثر رژیم‌های ارزی بر جریان گردشگری کشورهای منتخب اسلامی بحرین، ایران، عراق، مصر، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، یمن، سوریه، لبنان، اردن و عمان شامل طی دوره زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۳ است. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا گردشگری کشورهای مورد مطالعه تحت تأثیر رژیم ارزی ثابت است یا خیر. همچنین، سؤالات فرعی تحقیق این است که آیا تجارت، تولید ناخالص داخلی، مسافت، جمعیت، داشتن زبان مشترک، مستعمره‌بودن، نرخ ارز مؤثر، نرخ ارز اسمی، داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک بر روند گردشگری اثرگذار است یا خیر.

در بخش دوم مقاله، به بیان مبانی نظری ارتباط رژیم‌های ارزی و جریان گردشگری و مطالعات تجربی انجام‌شده در این زمینه می‌پردازد. بخش سوم، به روش‌شناسی تحقیق و ارائه مدل و داده‌های آماری مربوطه می‌پردازد. بخش چهارم، داده‌های آماری و نتایج تجربی و در بخش پایانی نتایج حاصل از تخمین و پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

عوامل مؤثر بر جریان گردشگری در پژوهش‌های چند دهه اخیر مطرح شده‌اند، از جمله در مطالعات باند و همکاران^۱ (۱۹۹۷)، لیم^۲ (۱۹۹۷)، جیالتاکی و دریتساکیس^۳ (۲۰۰۴)، ایلات و ایناو^۴ (۲۰۰۴)، پاتسوراتیس و همکاران^۵ (۲۰۰۵)، علی‌رغم بررسی اثرات عمده متغیرها بر جریان گردشگری، پژوهش‌های بسیار اندکی در مورد تأثیر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم انجام گرفته است، اما مطالعاتی در مورد تأثیر رژیم‌های ارزی بر جریان تجارت توسط رز^۶ (۲۰۰۰) و رز و ون^۷ (۲۰۰۱)، آدام و جوبهام^۸ (۲۰۰۷) انجام شده است.

همچنین، مطالعات محدودی در مورد تأثیر رژیم‌های ارزی بر تقاضای توریسم توسط گیل و همکاران^۹ (۲۰۰۷)، سانتانا گالگو و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۷) و تامپسون و تامپسون^{۱۱} (۲۰۱۰) انجام گرفته است. شایان‌ذکر است که پژوهش انجام‌شده اخیر، بیشتر بر تأثیر بخشی اثر مالی بر صنعت گردشگری تمرکز داشته که نتایج همه این پژوهش‌های مذکور حاکی از آن است که رژیم‌های ارزی نقش بسیار مهمی در جریان گردشگری دارد. دولت‌ها در اتخاذ نوع رژیم ارزی، توجه خود را فقط معطوف بر تأثیرات مثبت رژیم ارز بر صنعت توریسم نمی‌کنند، اما اطلاع از نحوه واکنش این صنعت (به‌عنوان بخش مهمی از رشد اقتصادی) بر تغییرات سیاستی رژیم‌های ارزی، سیاست‌گذاران را در انتخاب رژیم ارزی مناسب کمک می‌کند.

رز (۲۰۰۰)، تأثیر پول مشترک بر حجم تجارت را برای ۲۰۰ کشور طی ۵ دوره متداول ۵ ساله از سال ۱۹۷۰ را با استفاده از روش جاذبه بررسی کرده است. نتایج نشان‌دهنده این است که ضریب مثبت و معنی‌داری بین داشتن پول مشترک و حجم تجارت وجود دارد. همچنین، نرخ ارز اثر منفی بر حجم تجارت داشته است.

ایلات و ای‌ناو (۲۰۰۴)، به بررسی عوامل مؤثر بر گردشگری بین‌المللی با استفاده از تجزیه و تحلیل پانل دیتای سه‌بعدی پرداخته و بیان کردند که توریسم بین‌المللی، یک صنعت با رشد سریع بوده که نیم تریلیون دلار درآمد سالانه ایجاد می‌کند که ده درصد کل تجارت بین‌الملل بوده و نیمی از کل تجارت بین‌الملل خدمات است. آن‌ها ادعا کردند که توریسم بین‌الملل مانند اشکال دیگر تجارت خدمات، از عوامل منحصربه‌فرد تولید مشتق شده و ممکن است با مطالعه در یک صنعت مشخص، نسبت به مدل تعادل عمومی تجارت نتیجه بهتری بدهد. همچنین، نشان داد که ریسک‌های سیاسی برای توریسم بسیار مهم است و نرخ ارز، موضوع بسیار مهمی برای توسعه توریسم کشورها بوده که دارای کشش واحد است.

^۱ Bond, Cohen and Schachter

^۲ Lim

^۳ Dritsakakis and Gialetaki

^۴ Eilat and Einav

^۵ Patsouratis, Frangouli and Anastasopoulos

^۶ Rose

^۷ Rose and Van Wincoop

^۸ Adam and Jobham

^۹ Gil Pareja et al

^{۱۰} Santana-Gallego et al

^{۱۱} Thompson and Thompson

گیل پارچا و همکاران (۲۰۰۷)، با استفاده از مدل جاذبه با مجموعه داده‌های پنل برای ۲۰ کشور OECD در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۲ اثر یورو را بر جریان توریسم بررسی کرده‌اند. نتیجه این بوده است که وجود پول مشترک یورو به افزایش ورود جریان گردشگر شده است که این تأثیر کمی بیش از ۶٪ بوده است. همچنین، گردشگری از عوامل مختلف دیگری مانند از بین رفتن هزینه‌های مبادله‌ای نرخ ارز و افزایش شفافیت بازار تأثیر می‌پذیرد.

آدام و جوپهام (۲۰۰۷)، اولین بررسی مربوط به اثر رژیم‌های ارزی بر تجارت را انجام دادند که با استفاده از طبقه‌بندی نظام‌های ارزی مذکور نتایج نشان می‌دهد که رژیم‌های ارزی غیر از رژیم ارزی شناور بر تجارت اثر مثبت دارند. این رژیم‌های مؤثر به کاهش هزینه‌های نااطمینان و جابه‌جایی و افزایش حجم تجارت منجر می‌شود.

گیل پارچا (۲۰۰۷)، به بررسی اثر رژیم ارزی اروپا بر جریان تجارت برای ۲۴ کشور OECD در بازه زمانی ۱۹۶۰-۲۰۰۴ پرداخته که نتایج نشان می‌دهد که رژیم ارزی، تأثیر مثبت بر تجارت بین‌الملل اتحادیه اروپا دارد. همچنین متغیرهای جمعیت، تولید خالص داخلی، تجارت خارجی، تفاهم‌نامه تجاری، مستعمره‌بودن، همزبانی و مرز مشترک داشتن اثر مثبت و نرخ ارز مؤثر و حقیقی و مسافت، اثر منفی بر جریان گردشگری داشته است.

سانتانا و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، با ادامه کار گیل پارچا و همکاران به بررسی تأثیر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم (نه تنها محدود به یورو) پرداختند. آن‌ها کار را با وارد کردن متغیرهای دامی رژیم‌های ارزی (ثابت، شناور و مدیریت‌شده شناور) شروع کرده‌اند که این متغیرهای دامی با استفاده از طبقه‌بندی رژیم ارزی رین هارت و روگوف^۲ (۲۰۰۴) وارد مطالعه شده است. یافته‌های آن‌ها از مطالعه ۲۰ کشور OECD در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۱ نشان می‌دهد که رژیم ارزی ثابت، تأثیر بهتری بر جریان گردشگری دارد. سایر نظام‌های ارزی نیز بر جریان ورود توریسم مؤثر بوده، اما به اندازه رژیم ارزی ثابت نیست. به طور کلی، انعطاف کمتر در رژیم‌های ارزی، تأثیر بیشتری بر جریان گردشگری دارد (مشابه نتایج گیل پارچا و همکاران).

گالگو و همکاران (۲۰۱۰)، به بررسی اثر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم در ۱۱۳ کشور OECD بین سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۴ با استفاده از مدل جاذبه پرداختند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که رژیم ارزی ثابت، اثر مثبت بر جریان گردشگری داشته و در کنار این متغیر، تجارت بین‌الملل، تولید خالص داخلی، جمعیت، هم‌مرز بودن، مستعمره‌بودن، زبان مشترک و داشتن تفاهم‌نامه تجاری، اثر مثبت در جذب گردشگری بین‌المللی داشته و مسافت نیز اثر منفی در این روند داشته است.

تامپسون و تامپسون (۲۰۱۰)، به بررسی تأثیر نرخ ارز واقعی و پول مشترک یورو بر درآمد گردشگری یونان در بازه زمانی ۱۹۷۴-۲۰۰۶ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که گردشگری یک کالای نرمال بوده و معرفی یورو به عنوان پول مشترک، تأثیر زیادی حدود ۱۸٪ بر درآمد حاصل از صنعت گردشگری دارد. همچنین، با افزایش درآمد جهانی انتظار بر افزایش درآمد گردشگری یونان است و با افزایش هزینه‌های سفر، درآمد گردشگری کاهش می‌یابد.

لدسما و همکاران^۳ (۲۰۱۲)، به بررسی تأثیر یورو بر جریان گردشگری کشورهای OECD در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۸ با استفاده از روش جاذبه پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اثر پول مشترک بر جریان صنعت گردشگری بین ۲۱٪-۴۳٪ است که بسیار بالاتر از نتیجه مطالعه قبل است و اثر داشتن پول مشترک در مراحل اولیه بسیار بارزتر خواهد بود.

^۱ Ledesma-Rodriguez, Perez-Rodriguez and Santana-Gallego

^۲ Reinhart and Rogoff

^۳ Ledesma-Rodriguez et al

چنگ و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، به بررسی اثر نرخ ارز واقعی بر تراز پرداخت گردشگری آمریکا در سال‌های ۱۹۷۳-۲۰۱۰ با استفاده از الگوی تصحیح خطا برداری و توابع عکس‌العمل آنی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد، کاهش نرخ ارز، درآمد حاصل از صادرات بر گردشگر تأثیر می‌گذارد، اما درآمد حاصل از واردات گردشگری را شامل نمی‌شود و گردشگران خارج‌شده از آمریکا به درآمد واکنش دارند، اما گردشگران واردشده به آمریکا واکنش ندارند.

دی ویتا^۲ (۲۰۱۴)، اثر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم را در ۲۷ کشور OECD و غیر OECD در بازه زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۱ با استفاده از روش SYS-GMM بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رژیم‌های ارزی به‌خصوص رژیم ارزی ثابت از متغیرهای مؤثر بر جریان توریسم است. همچنین، متغیرهای جمعیت، تولید خالص داخلی، تجارت خارجی، تفاهم‌نامه تجاری، مستعمره‌بودن اثر مثبت و نرخ ارز مؤثر و حقیقی و مسافت اثر منفی بر جریان گردشگری داشته است.

کولیوک^۳ (۲۰۱۴)، تأثیر عوامل مؤثر طرف عرضه و تقاضای کلان اقتصادی بر جریان توریسم را با استفاده از مدل جاذبه برای کل جهان در طی یک دهه برآورد کرد. نتایج نشان می‌دهد که مدل جاذبه، جریان توریسم را بهتر از تجارت کالا در شرایط مشخص و یکسان نشان می‌دهد. کشش توریسم نسبت به GDP در هر کشور کمتر از کشش تجارت کالا است. جریان توریسم، به‌شدت به تغییرات در نرخ ارز واقعی در کشور مقصد واکنش نشان می‌دهد. کشورهای OECD کشش بالایی نسبت به متغیرهای اقتصادی داشته است. همچنین، توریسم در جزایر کوچک دارای حساسیت کمتری نسبت به تغییرات نرخ ارز واقعی کشور بوده و بیشتر تحت تأثیر حذف یا اضافه‌کردن پروازهای مستقیم است.

آکای و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، به بررسی اثر نرخ ارز و درآمد بر تراز پرداخت گردشگری کشور ترکیه در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۱۱ با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری پرداختند. نتایج نشان داد که نرخ ارز و درآمد خارجی، اثر مثبت بر تراز پرداخت گردشگری و درآمد داخل، اثر منفی بر این تراز پرداخت دارد و منحنی جی نیز وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، افزایش نرخ ارز سبب بدتر شدن تراز گردشگری در دوره‌های اولیه نشده است.

آکای و همکاران^۵ (۲۰۱۶)، به بررسی اثر نرخ ارز و درآمد بر جریان گردشگری کشور ترکیه طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۱۱ به‌صورت فصلی با استفاده از روش جمعی و منحنی جی پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درآمد، بالاترین اثر را بر تراز پرداخت گردشگری داشته است. همچنین، نرخ ارز نیز اثر مثبت بر این تراز داشته و این درحالی است که درآمد داخل کشور، اثر منفی داشته است.

آکمس و همکاران^۶ (۲۰۱۶)، به بررسی اثر عملکرهای مالی و رسانه‌های اجتماعی بر سهم سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری ترکیه با استفاده از روش ویتنی یو^۶ پرداخته‌اند. مطابق نتایج، تفاوت فراوانی میان سود متوسط خالص و متوسط ارزش بازاری وجود داشته و استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر سهم سرمایه‌گذاری گردشگری اثر مثبت بر سوددهی متوسط خالص و متوسط ارزش بازاری داشته است.

^۱ Thompson et al

^۲ De Vita

^۳ Culiuc

^۴ Akay et al

^۵ Akmese et al.

^۶ Whitney U

مبانی نظری

در این بخش ابتدا به بیان رژیم‌های ارزی مختلف و سپس رابطه رژیم‌های ارزی با جریان گردشگری پرداخته می‌شود. طبقه‌بندی جدید رژیم‌های ارزی، به ترتیب کاملاً ثابت؛ نظام ارزی ثابت مبتنی بر دارایی‌های خارجی؛^۲ دلاریزه کردن^۳ و حذف پول ملی به طور کامل، اتحادیه پولی؛^۴ میخکوب قابل تعدیل؛^۵ میخکوب خزنده؛^۶ میخکوب شده به سببی از ارزها؛^۷ منطقه یا دامنه هدف^۸ و در نهایت کاملاً شناور^۹ و شناور مدیریت شده^{۱۰} است (عاطفی منش، ۱۳۹۳: ۸۴).

در این راستا، ۱۵ نوع رژیم ارزی بین استاندارد طلا و پول اعتباری توسط رینهارت و راکوف^{۱۱} در سال ۲۰۰۴ ارائه شده است، اما انتخاب بین رژیم ارزی ثابت و شناور همچنان در کانون توجه مقامات پولی قرار دارد. در سال‌های گذشته، با توجه به اینکه رژیم‌های ارزی در دو طیف استاندارد طلا و رژیم ارزی ثابت و پول اعتباری و رژیم ارزی شناور قابل بررسی بودند؛ بنابراین، انتخاب رژیم‌های ارزی بسیار ساده است. به باور عمومی، داشتن رژیم ارزی ثابت و نظام استاندارد طلا، پیروی از سیاست‌های پولی قابل پیش‌بینی و دقیق، حفظ ثبات قیمت‌ها، از بین رفتن هزینه مبادله پول‌های مختلف، یکپارچگی مالی و بودجه متوازن را به دنبال خواهد داشت، اما گذار از این سیستم به پول اعتباری و شناور به بی‌ثباتی‌های پولی و مالی منجر خواهد شد؛ بنابراین، تجربه سیستم شناور بی‌ثباتی‌های ناشی از سفته‌بازی با فقر و کاهش ارزش پول همراه است (نرکس، ۱۹۴۲).

فریدمن^{۱۲} (۱۹۵۳) در واکنش به نظریه نرکس بیان کرد که شناور بودن نرخ ارز امتیازات انتقال‌پذیری، مصون ماندن از شوک‌های واقعی و مشکلات کمتر در مکانیزم تعدیل را به دنبال دارد. به پیروی از فریدمن، ماندل^{۱۳} (۱۹۶۱)، بحث تحرک سرمایه را مطرح کرد. به دنبال وی، ماندل فلمینگ^{۱۴} (۱۹۶۲) بر این اساس که اقتصادی که از تحرک سرمایه برخوردار است نظام ارزی شناور را پیشنهاد کرد. بدین ترتیب، مدل ماندل فلمینگ دو رویداد مهم مربوط به انتخاب رژیم ارزی بین عدم امکان انتخاب همزمان^{۱۵} لهر دو دامنه بهینه ارزی منجر شد و کشورها امکان انتخاب دو گزینه از بازار سرمایه باز، استقلال سیاست پولی و نرخ ارز ثابت را یافتند. در انتخاب رژیم ارزی بهینه، مفهوم دامنه بهینه پولی (OCA) به عنوان یک منطقه جغرافیایی مطرح است. داشتن یک پول واحد و سیاست پولی واحد بهترین گزینه است (فرانکل،

۱ Truly fixed

۲ Currency Board

۳ Dollarization

۴ Currency Union

۵ Adjustable Peg

۶ Crawling Peg

۷ Basket Peg

۸ Target Zone or Bands

۹ Floating

۱ Managed Floating

۱ Reingart and Rogoff

۱ Nurkse

۱ Friedman

۱ Mundell

۱ Mundell- Fleming

۱ Trinity or Trilemma

۱۹۹۹: ۲). بحث ديگر در راستای انتخاب بهينه رژيم‌ها، لنگر ارزی است به اين مفهوم که در محیطی که تورم بالاست ميخکوب‌شدن به کشوری که تورم پايين دارد به‌عنوان مکانيزم اوليه برای کنترل انتظارات تورمی به‌کار گرفته می‌شود (بارو و گوردن^۱؛ ۱۹۸۳: ۵۹۳). در دهه ۱۹۸۰ اروپا به ایجاد مکانيزم نرخ ارز اروپایی (ERM) اهتمام ورزید و در دهه ۹۰ به پيدایش رژيم ارزی مبتنی بر دارایی‌های خارجی ميخکوب در کشورهای نوظهور منجر شد. ميخکوب‌شدن شديد ارز، ديگر ترس و نگرانی حاصل از بحران پولی را نداشته است (چنگ و ولاسکو^۲؛ ۲۰۰۱: ۴۹۰).

چند دليل برای برتری رژيم ارزی ثابت وجود دارد، نوسانات غيرقابل‌پيش‌بینی نرخ ارز شناور در کوتاه‌مدت و بلندمدت، نااطمينانی از نرخ ارز جريان تجارت را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و مشکلات مردم در مواجهه با بیمه‌کردن سرمایه در بازار مبتنی بر دارایی‌های ناقص را تشديد می‌کند (آسفیلد و روگوف، ۱۹۹۵: ۷۶). کارگران و واحدهای اقتصادی از نوسانات طولانی نرخ ارز آسیب می‌بینند و خواستار حمايت دولت از آنها در مقابل واردات هستند. ميخکوب‌شدن به پول کشوری که تورم پايين‌تر دارد، به مهار فشار تورم کمک خواهد کرد. سياست اعلامی ميخکوب‌کردن به‌عنوان فرایند التزام دولت جهت مقاومت در برابر سياست‌های پولی انبساطی بوده است (آسفیلد و روگوف^۳؛ ۱۹۹۵: ۷۵). برخی کشورها یک دوره کاهش قيمت را پس از دوره‌ای بی‌ثباتی قيمت‌ها تجربه کردند که اين سيستم برای افزایش تجارت و برنامه‌ریزی مناسب کنترل تورمی پیش‌بینی می‌شود (برانو^۴؛ ۱۹۹۱: ۳۴). بیشتر کشورهای پیشرفته به سمت رژيم ارزی شناور حرکت می‌کنند. فرانکل (۱۹۹۹)، اظهار می‌کند که هيچ رژيم ارزی واحد که بهترین رژيم شناخته شود، وجود ندارد و حتی یک نوع رژيم ارزی که در تمام سال‌ها برای یک کشور مناسب باشد نیز وجود ندارد. رژيم‌های میانه بخش بزرگی از ترتيبات ارزی را به خود اختصاص داده‌اند، اما کشورهای درحال توسعه به سمت رژيم ارزی شناور شاید به‌دلیل دلاریزه‌شدن و سيستم مبتنی بر دارایی خارجی، کاستی جدی مانند نبود یک مقام پولی به‌عنوان قرض‌دهنده و پناهگاه نهایی برای دفع شوک‌های خارجی حرکت نمی‌کنند. با توجه به موارد مذکور برای کشورهای درحال توسعه که هنوز به‌لحاظ مالی به میزان کافی توسعه نداشتند و آمادگی لازم برای انتخاب رژيم ارزی شناور ندارند، ترتيبات ارزی میانه بهترین گزینه خواهد بود که یکی از آنها رژيم ارزی شناور مدیریت شده است. اين رژيم توسط موريس گلد آستين^۵ در سال ۲۰۰۲ ارائه شده است. اين ارائه، اجازه مداخله در بازار ارز به‌منظور خنثی‌سازی شوک‌های موقت را می‌دهد، یک سيستم گزارش‌دهی میزان ارز در دسترس و مخاطرات مربوط به بدهی‌های خارجی، فراهم‌آوردن زمينه اتخاذ راهبرد سلسله‌مراتبی در جهت بازکردن بازار مالی داخلی به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی را منجر می‌شود. کشورهایی که به‌لحاظ سیاسی اقتصادی، یکپارچه بوده و اقتصاد کوچک و باز دارند، رژيم ارزی شناور مدیریت شده گزینه مناسبی خواهد بود.

با توجه به آنچه در رابطه با رژيم‌های ارزی مطرح شد، بيان اين نکته ضروری است که انتخاب رژيم ارزی مناسب می‌تواند در بسیاری از فعاليت‌های کشورها مانند توسعه گردشگری، افزایش سرمایه‌گذاری و... مؤثر باشد. رژيم‌های ارزی بر تقاضای گردشگری می‌تواند تأثیر گذارد؛ چراکه کاهش ارزش پول یک کشور موجب ارزان‌تر شدن داخلی یک کشور در خارج از کشور شده و به‌دنبال آن افزایش جريان ورود گردشگر را منجر می‌شود و در مقابل افزایش ارزش پول یک کشور موجب کاهش جريان ورود گردشگر به کشور می‌شود. با وجود ابهامات در اندازه‌گیری نرخ ارز استفاده‌شده در مطالعات

۱ Barro and Gordon

۲ Chang and Velasco

۳ Obstfeld and Rogoff

۴ Bruno

۵ Goldstein and Morris

تقاضای توریسم، رژیم‌های ارزی به‌عنوان یک عامل بسیار مهم در جریان گردشگری شناخته شده است (ویتا و کیاو، ۲۰۱۴: ۲۲۷). رژیم‌های ارزی مشمول در تابع تقاضا ممکن است شامل قیمت‌های نسبی یا مؤثر (نرخ ارز مؤثر) یا به‌عنوان متغیر جدا در سطوح مختلف باشد. به‌طور کلی، رژیم‌های ارزی بر سطح قیمت‌های نسبی کشور مقصد تأثیر می‌گذارد. با این حال، مطالعات متعددی در مورد جریان گردشگری با در نظر گرفتن تغییرات نرخ ارز به‌عنوان متغیری برای جانشینی عدم قطعیت متغیر مبادله‌ای انجام گرفته است.

از میان رژیم‌های ارزی به‌دلایلی مانند عدم وجود نااطمینانی‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز و نبود هزینه‌های مبادلاتی ارز، رژیم ارزی ثابت بیشترین تأثیر را در جذب گردشگران دارد، اما رژیم ارزی شناور به‌دلیل نااطمینانی از فضای بازار ارز و هزینه‌های مبادلاتی بر جریان گردشگری اثر چندان مثبتی ندارد. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله، به بررسی اثر رژیم‌های ارزی بر جریان توریسم بین‌المللی در ۱۴ کشور منتخب اسلامی شامل بحرین، ایران، عراق، مصر، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، یمن، سوریه، لبنان، اردن و عمان طی دوره زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۳ با استفاده از روش جاذبه پرداخته شده است.

روش پژوهش

از نظر روش‌شناسی الگوی جاذبه، میزان جذب فاصله‌ای بین دو یا چند داده را شرح می‌دهد. نظریه جاذبه کلاسیک در فیزیک، نیروی جاذبه α_{ij} بین دو ماده i و j را متناسب با وزن آن‌ها و معکوس با مجذور فاصله d_{ij}^{-2} بین این دو ماده را بیان می‌کند که یک عامل ثابت است.

$$\alpha_{ij} = \gamma m_i m_j d_{ij}^{-2} \quad (1)$$

در اواسط قرن نوزدهم اچ کری موضوعیت تئوری جاذبه را به پدیده‌های اجتماعی تعمیم داد. با بهره‌گیری از اندیشه جاذبه نیوتن برای برآورد جریان‌های تجاری بین‌المللی از این مدل استفاده کرد. در ساده‌ترین شکل ممکن، وقتی هیچ مانع و تشویقی وجود ندارد، جریان‌های تجاری دوطرفه را می‌توان با استفاده از این مدل به صورت تابعی مستقیم از اندازه اقتصادی دو کشور و تابعی معکوس از فاصله جغرافیایی بین دو کشور در نظر گرفت:

$$T_{ij} = (GDP_i, GDP_j, D_{ij}) \quad (2)$$

که در آن T_{ij} جریان تجاری از کشور i به j ، همچنین، GDP_i و GDP_j به ترتیب نشان‌دهنده اندازه اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده و D_{ij} معرف فاصله جغرافیایی بین آن‌هاست. در ابتدا این مدل‌ها برای داده‌های مقطعی چند کشور یا داده‌های سری زمانی یک کشور به کار می‌رفتند. این شکل برآورد مدل محدودیت‌های زیادی را بر تصریح مدل سبب می‌شد مانند ناهمگنی بین کشورها و اریب‌دار شدن نتایج؛ زیرا در چنین برآوردهایی تعدادی متغیرهای حذف شده وجود داشتند یا تعدادی متغیر در نظر گرفته نمی‌شدند؛ بنابراین، برای رفع این مشکل از روش برآورد داده‌های گروهی برای تخمین مدل‌های جاذبه استفاده می‌شود. در این روش، اثرات ناهمگنی و انفرادی مربوط به کشورها لحاظ می‌شود و اثرات زمان نیز در چارچوب آن قابل دسترسی است. کارایی این روش بالاتر بوده و قدرت توضیح‌دهندگی متغیرها نیز بیشتر است.

در این مطالعه با بهره‌گیری از مطالعات گالجا و همکاران (۲۰۰۷) و (۲۰۱۰) و دی ویتا و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی اثر رژیم‌های ارزی بر جریان تقاضای گردشگری برای کشورهای منتخب اسلامی طی بازه زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۳ و با استفاده از روش جاذبه پرداخته و مدل مورد استفاده در این پژوهش با لحاظ لگاریتم به شکل زیر تصریح شده است:

(۳)

$$Ly_{it} = \delta_0 + \delta_1 Lrxrvol_{it} + \delta_2 Ltrade_{it} + \delta_3 Lgdp_{it} + \delta_4 Lpop_{it} + \delta_5 Lep_{it} + \delta_6 Ldis_{ij} + \delta_7 dumlang_i + \delta_8 dumfta_i + \delta_9 dumcol_i + \delta_{10} dumz_{it} + \delta_{11} \dot{\delta}_{it}$$

که Ly_{it} لگاریتم تعداد گردشگران وارد شده به کشور از کل جهان، $Lrxrvol_{it}$ لگاریتم نرخ ارز اسمی کشورها، $Ltrade_{it}$ لگاریتم تراز پرداخت کشورها، $Lgdp_{it}$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشورها براساس سال پایه ۲۰۱۰، $Lpop_{it}$ لگاریتم جمعیت کشورها، Lep_{it} لگاریتم نرخ ارز مؤثر حقیقی، $Ldis_{ij}$ لگاریتم مسافت بین دو شهر مهم کشورهای اسلامی مورد مطالعه، $dumlang_i$ متغیر مجازی هم‌زبانی کشورهای مورد مطالعه (یک در صورت داشتن زبان مشترک و صفر در غیر این صورت)، $dumfta_i$ متغیر مجازی اتحادیه تجاری بین کشورهای عضو (یک در صورت داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک و صفر در غیر این صورت)، $dumcol_i$ متغیر مجازی مستعمره بودن کشورها (یک در صورت عدم تجربه استعماری و صفر در غیر این صورت) و $dumz_{it}$ متغیر مجازی رژیم ارزی کشورها (یک در صورت داشتن رژیم ارزی ثابت و صفر در غیر این صورت) هستند. همچنین، اطلاعات آماری مورد استفاده در این مطالعه به صورت کتابخانه‌ای از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان گردشگری و مرکز مطالعات اطلاعات بین‌المللی استخراج شده است.

براساس مبانی نظری انتظار بر این است که ارتباط تجارت و جریان گردشگری مثبت باشد. تسهیل روابط تجاری و افزایش واردات می‌تواند به افزایش گردشگری منجر شود. همچنین، با افزایش جریان تجارت اندازه بازار کشور مقصد بزرگتر شده و تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا می‌کند (پژوهش مارین، ۱۹۹۲: ۶۸۳). تأثیر مثبت تولید ناخالص داخلی و جمعیت، بر تعداد گردشگران می‌تواند با استدلال اینکه هرچه کشور بزرگتر باشد، ظرفیت عرضه خدمات بهتر برای گردشگران و تنوع‌سازی در ارائه خدمات بیشتر فراهم آمده و تعداد گردشگران بیشتری جذب می‌کند، توجیه شود. متغیر نرخ ارز مؤثر حقیقی، اثر منفی بر جریان گردشگری دارد؛ زیرا با افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده، هزینه‌های سفر برای گردشگران افزایش یافته و جریان گردشگری کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، با افزایش نرخ ارز تقاضا برای سفر در داخل کشور کاهش می‌یابد، اما به دلیل پایین آمدن ارزش پول داخل برای خارجی‌ها سفر به داخل سفری ارزان تلقی شده و می‌توان برای جذب توریست‌های خارجی به داخل برنامه‌ریزی کرد (لازم به توضیح است که آمار این متغیر، برگرفته از بانک جهانی است که منظور از نرخ ارز، قیمت هر واحد پول داخل برحسب پول خارجی گزارش شده است). در رابطه با تأثیر مسافت بر گردشگری می‌توان بیان کرد که گردشگران ترجیح می‌دهند، مسافت کمتری برای انجام سفر به دلیل هزینه‌های سفر طی کنند (ستریس پاریبوس)؛ بنابراین، انتظار بر این است که اثر مسافت بر جریان گردشگری منفی باشد، اما مسافت بر توریسم می‌تواند اثر مثبت نیز داشته باشد. وجود مراکز گردشگری و شرایط مناسب سرمایه‌گذاری در کشورها می‌تواند علی‌رغم مسافت طولانی به افزایش جذب گردشگر منجر شود. ایالات متحده آمریکا نیز سهم بزرگتری از گردشگران مسافت طولانی با اقامت بیشتر را از رقبای اروپایی خود که بیشتر بر گردشگری مسافت کوتاه دارند، کسب کرده است؛ بنابراین، از این نظر کشور آمریکا مقام اول جهان را از نظر درآمدزایی این صنعت به خود اختصاص داده است.

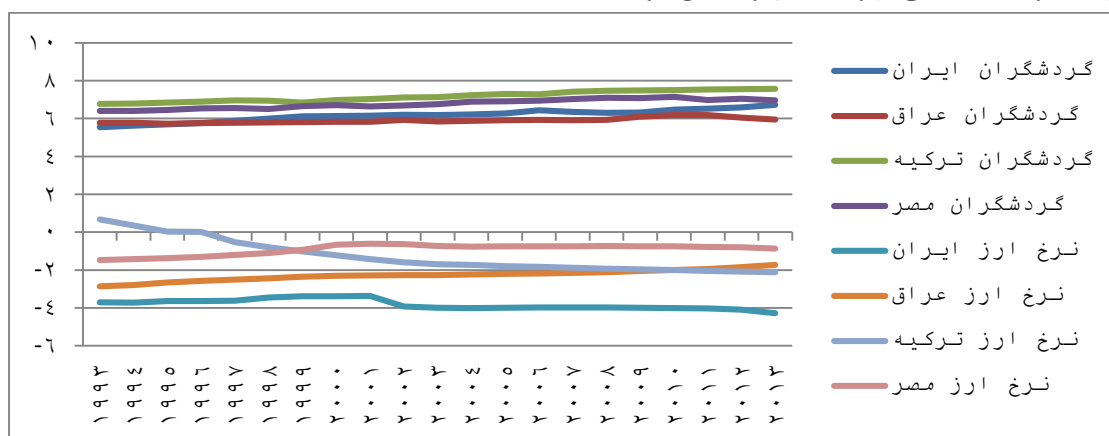
۱. رژیم‌های ارزی استفاده شده در این پژوهش طبقه‌بندی شده، توسط صندوق بین‌المللی پول IMF، سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۱.

۲ Marin

۳ Ceteris Paribus

همچنین، انتظار بر این است که سایر متغیرهای استاندارد مانند رابطه مستعمره بودن، داشتن مرز مشترک، داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک و داشتن زبان مشترک جریان گردشگری را بهبود بخشند. داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک می‌تواند در زمینه گسترش همکاری‌های متقابل و... انجام گیرد که با شناختن سلايق و وضعیت بازار طرف تجاری مقابل، سعی در تسخیر بازارهای هدف و ارائه کردن کالای مصرفی گردشگر در بازار کشور مقصد کرد، اما به دلیل نزدیکی مسافت کشورهای مورد مطالعه ممکن است علی‌رغم داشتن تفاهم‌نامه‌های مشترک، این متغیر اثر چندانی بر جریان گردشگری نداشته باشد. داشتن زبان مشترک و مستعمره بودن نیز اثر مثبت بر جریان گردشگری می‌گذارد؛ چراکه زبان وسیله داشتن ارتباط است زبان عمده کشورهای مورد بررسی عربی است و در صورت نداشتن زبان مشترک، یک مانع برای جریان ورود گردشگری خواهد شد. تاکنون هیچ چارچوب نظری دال بر تأثیر رژیم‌های ارزی بر جریان گردشگری بین‌المللی مطرح نشده، اما می‌توان انتظار داشت که داشتن رژیم ارزی مشترک با توجه به نبود هزینه‌های معاملاتی ارزی و عدم قطعیت در مورد نوسانات نرخ ارز تأثیر مثبت بر جریان گردشگری داشته باشد.

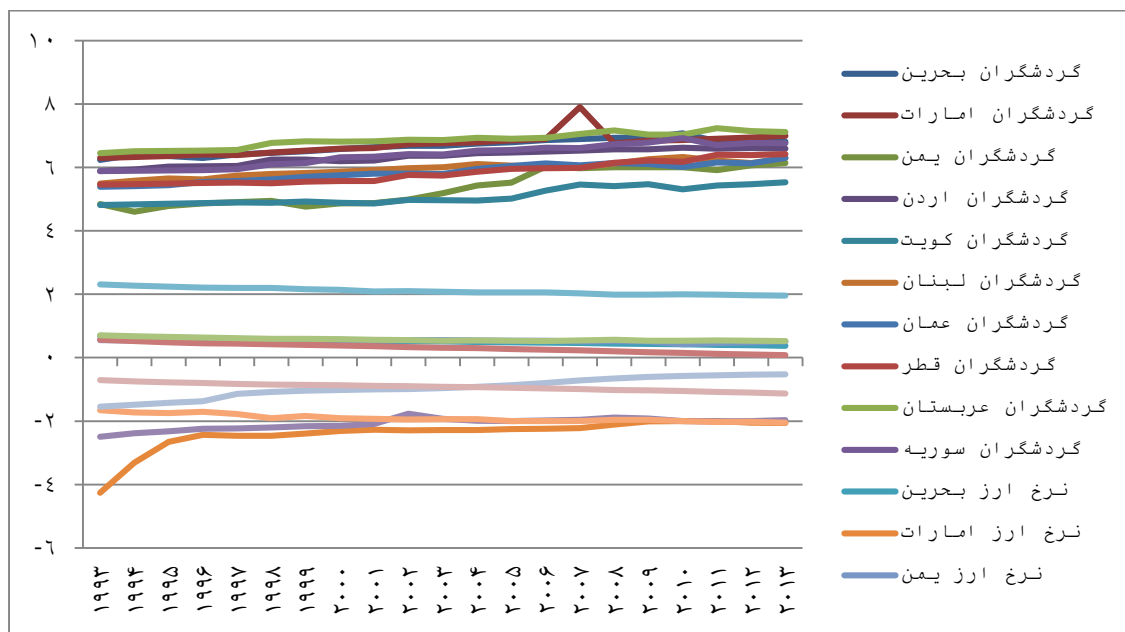
برای درک بهتر این مفهوم، ابتدا به بررسی روند متغیرهای درآمد گردشگری و نرخ ارز در کشورهای مورد مطالعه پرداخته و در ادامه نتایج برآورد تحلیل و ارزیابی خواهد شد.



نمودار شماره ۱: روند متغیرهای درآمد و نرخ ارز کشورها با نرخ ارز شناور و شناور مدیریت شده

منبع: نگارندگان

بررسی نموداری، روند متغیرهای نرخ ارز و تعداد گردشگران کشورها با رژیم ارز شناور و شناور مدیریت شده نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها نرخ ارز کشورهای عراق و مصر در ابتدا روند ملایم افزایشی داشته و در ادامه، دارای روند ثابت بوده و نرخ ارز کشور ترکیه تا سال ۲۰۰۵ روند نزولی داشته و سپس دارای ثبات شده است. همچنین، نرخ ارز در ایران تا سال ۲۰۰۱ روند افزایشی و در سال ۲۰۰۲ کاهش پیدا کرده و سپس دارای ثبات بوده است، اما تعداد گردشگران برای این چند کشور دارای یک رشد بسیار ملایم در طی این دوره بوده است.



نمودار شماره ۲: روند متغیرهای درآمد و نرخ ارز کشورها با نرخ ارز ثابت

منبع: نگارندگان

بررسی نموداری، روند متغیرهای نرخ ارز و تعداد گردشگران کشورها با رژیم ارز ثابت نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها روند نرخ ارز دارای ثبات بوده و از یک روند کاهشی بسیار ملایم برخوردار بوده است، به جز کشور امارات که در ابتدای دوره دارای افزایش بوده و سپس، ثبات پیدا کرده و کشور عربستان که دارای روند بسیار ملایم صعودی بوده است، اما تعداد گردشگران از یک رشد ملایم برخوردار بوده است. همان‌طور که از نمودار مشخص است، تعداد گردشگران کشور امارات از سال ۲۰۰۶ افزایش زیادی داشته و در سال ۲۰۰۷ به بیشترین حد خود رسیده، اما در سال ۲۰۰۸ به همان سطح و روند قبلی برگشته است و تعداد گردشگران کشور یمن در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بیشترین میزان افزایش را داشته است.

جدول شماره ۱: نرخ رشد متوسط تعداد گردشگران

| نام کشور | رژیم ارزی | نرخ رشد متوسط تعداد گردشگران | نام کشور | رژیم ارزی | نرخ رشد متوسط تعداد گردشگران |
|---------------|-----------|------------------------------|----------|--------------------------|------------------------------|
| بحرین | ثابت | ۰/۰۰۴۳۳۴ | امارات | ثابت | ۰/۰۰۶۳۲۶ |
| اردن | ثابت | ۰/۰۰۵۶۸۹ | یمن | ثابت | ۰/۰۰۱۲۳۶۱ |
| کویت | ثابت | ۰/۰۰۷۰۵ | لبنان | ثابت | ۰/۰۰۶۹۷۴ |
| عمان | ثابت | ۰/۰۰۷۸۸۶ | مصر | شناور و شناور مدیریت‌شده | ۰/۰۰۴۲۶۳ |
| قطر | ثابت | ۰/۰۰۸۲۲۶ | ایران | شناور و شناور مدیریت‌شده | ۰/۰۰۹۷۴۸ |
| عربستان سعودی | ثابت | ۰/۰۰۴۹۶۹ | عراق | شناور و شناور مدیریت‌شده | ۰/۰۰۱۵۹۲ |
| سوریه | ثابت | ۰/۰۰۷۰۸۳ | ترکیه | شناور و شناور مدیریت‌شده | ۰/۰۰۵۶۱۵ |

منبع: نگارندگان

با توجه به روند تعداد گردشگران در گروه‌های مختلف، رژیم ارزی و جدول نرخ رشد متوسط تعداد گردشگران کشورهای مورد مطالعه این ادعا تأیید شده است که کشوری که رژیم ارزی ثابت داشته، نرخ رشد بیشتری در تعداد گردشگران واردشده به کشورش را تجربه کرده است. در مقابل، رژیم‌های ارزی شناور و شناور مدیریت شده از متوسط نرخ رشد تعداد گردشگران کمتری برخوردار بوده‌اند. در گروه کشورهای با رژیم ارزی ثابت یمن با نرخ رشد متوسط برابر ۰/۰۱۲۳۶۱ بیشترین نرخ رشد متوسط تعداد گردشگران را داشته و در گروه کشورهای با رژیم ارزی شناور و شناور مدیریت شده ایران با نرخ رشد متوسط ۰/۰۰۹۷۴۸ بالاترین نرخ رشد تعداد گردشگران را داشته است. در مورد نرخ رشد متوسط تعداد گردشگران نسبتاً بالای ایران، می‌توان این‌گونه اذعان کرد که جاذبه‌های بالای تاریخی گردشگری نتوانسته مانع نرخ رشد بالای گردشگری در کشور شود.

بحث و یافته‌ها

در این مطالعه، برای تخمین ارتباط پویای مربوط به متغیرهای رژیم‌های ارزی و تقاضای گردشگری از روش جاذبه استفاده شده است. برای این منظور، ابتدا باید از همگنی یا ناهمگنی مقاطع مطلع شویم. در این آزمون که به آزمون اثرات مقطعی معروف است و به وسیله آماره F صورت می‌گیرد، فرضیه صفر دال بر همگن بودن صنایع بررسی می‌شود. از این رو، عدم رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تجمیع شده^۱ و رد فرضیه صفر مبین استفاده از روش داده‌های تابلویی است. در مرحله بعد، در صورت رد فرضیه صفر و با استفاده از آزمون هاسمن باید به بررسی این مسئله پردازیم که برای تخمین داده‌های تابلویی از روش اثرات ثابت^۲ یا روش اثرات تصادفی^۳ استفاده شود. براساس این آزمون، رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت بوده و عدم رد آن مبین استفاده از روش اثرات تصادفی است.

جدول شماره ۲: آزمون معنی‌داری اثرات گروه

| ارزش احتمال (PV) | آماره آزمون F |
|------------------|---------------|
| ۰/۰۰ | ۱۸۶/۵۶ |

منبع: نگارندگان

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۲، می‌توان گفت که آماره آزمون F بیانگر استفاده از روش داده‌های تابلویی به جای استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تجمیع شده است.

جدول شماره ۳: آزمون اثرات ثابت و تصادفی

| ارزش احتمال (PV) | مقدار آماره آزمون χ^2 |
|------------------|----------------------------|
| ۰/۳۴۷۹ | ۳/۳۰ |

منبع: نگارندگان

در ادامه از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج آماره آزمون هاسمن، بیانگر عدم رد فرضیه صفر و در نتیجه، انتخاب روش اثرات تصادفی است که نتایج در جدول ۳ نشان داده می‌شود.

^۱ Pooled Least Squares

^۲ Fixed Effects

^۳ Random Effects

جدول شماره ۴: نتایج برآورد

| متغیر | ضریب | Z | p > z |
|----------|--------------|-------|--------|
| Ltrade | *.۰۰۹۵۱۰۶ | ۳/۴۱ | ۰/۰۰۱ |
| Lgdp | *.۰/۴۰۹۳۷۶۸ | ۵/۰۸ | ۰/۰۰۰ |
| Lrxvol | *-.۰/۰۷۸۸۲۶۳ | -۳/۳۶ | ۰/۰۰۱ |
| Lep | *-.۰/۱۲۳۷۹۳۲ | -۲/۵۰ | ۰/۰۱۳ |
| Lpop | *.۰/۸۸۸۴۳۳ | ۸/۰۷ | ۰/۰۰۰ |
| Ldis | *۲/۶۸۸۳۸۵ | ۲/۶۳ | ۰/۰۰۹ |
| Dumfta | -.۰/۰۴۸۴۲۶۹ | -۰/۱۱ | ۰/۹۱۵ |
| Dumcol | ۰/۳۳۱۱۵ | ۱/۰۸ | ۰/۲۸۰ |
| Dumregim | **۰/۵۴۲۳۶۲۱ | ۱/۸۵ | ۰/۰۶۵ |
| Dumlang | **۰/۶۳۴۹۷۵۱ | ۱/۶۳ | ۰/۱۰۴ |
| Cons | *-۱۲/۵۳۴۸۵ | ۳/۲۷ | ۰/۰۰۱ |

منبع: نگارندگان، * سطح معنی‌داری ۱٪ و *** سطح معنی‌داری ۱۰٪.

با توجه به نتایج جدول ۴، می‌توان بیان کرد که رژیم‌های ارزی با عنوان متغیر دامی توضیحی در روند گردشگری اثر مثبت دارد؛ به‌طوری‌که به میزان ۰/۵۴۲۳۶۲۱ درصد در صورت داشتن رژیم ارزی ثابت مشترک بین کشورهای مورد مطالعه، جریان گردشگری افزایش می‌یابد. رژیم ارزی ثابت، هزینه مبادله‌ای و نااطمینان سایر رژیم‌ها را ندارد و بستر امنی به‌لحاظ مبادله ارزی بوده و نوسانات ارزی تأثیری در روند گردشگری نخواهد داشت. این متغیر به‌لحاظ آماری در سطح ده درصد معنی‌دار است. نرخ ارز اسمی اثر منفی بر جریان تجارت دارد؛ چراکه به‌دلیل کاهش ارزش پول کشور در سطح بین‌المللی تقاضای خارجی‌ها به سفر به کشور مقصد افزایش خواهد یافت؛ به‌طوری‌که یک درصد افزایش در نرخ ارز به کاهش جریان گردشگری به‌اندازه ۰/۰۷۸۸۲۶۳ درصد منجر می‌شود (لازم به توضیح است، آمار این متغیر برگرفته از بانک جهانی است که نرخ ارز به‌صورت قیمت هر واحد پول داخل برحسب پول خارج گزارش شده است). این متغیر به‌لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. متغیر تجارت اثر مثبت در جریان ورود گردشگر دارد؛ چراکه با تسهیل روابط تجاری بین‌المللی و افزایش سفرهای کاری روند گردشگری افزایش می‌یابد به‌طوری‌که با یک درصد افزایش در تجارت ۰/۰۰۹۵۱۰۶ درصد تعداد گردشگران افزایش می‌یابد. این متغیر به‌لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. اثر مورد انتظار تولید ناخالص داخلی بر گردشگری مثبت است، به‌طوری‌که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به افزایشی معادل ۰/۴۰۹۳۷۶۸ درصد در جریان گردشگری می‌شود. این متغیر به‌لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. میزان جمعیت نیز اثر مثبت در جریان گردشگری دارد؛ چراکه با افزایش جمعیت در کشور، توان کشور در عرضه خدمات مختلف و متنوع از جمله راهنمای گردشگران، هتلداری، حمل‌ونقل برای گردشگران افزایش می‌یابد؛ به‌طوری‌که یک درصد افزایش در جمعیت به افزایش در تعداد گردشگران به میزان ۰/۸۸۸۴۳۳ درصد منجر می‌شود. این متغیر به‌لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. متغیر نرخ ارز مؤثر حقیقی اثر منفی در جریان گردشگری دارد؛ در شاخص نرخ ارز مؤثر حقیقی، شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز منظور شده است. به‌گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در این شاخص، جریان گردشگری به میزان ۰/۳۱۴۹۵۷۱ درصد کاهش می‌یابد؛ چراکه با افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده، هزینه‌های سفر افزایش خواهد داشت و از طرفی، با افزایش نرخ ارز تقاضای سفرهای خارجی در کشور خودی به‌دلیل کاهش ارزش پول داخل در سطح بین‌الملل کاهش خواهد داشت، اما به همین دلیل تقاضای سفر به داخل برای خارجی‌ها افزایش می‌یابد. این متغیر به‌لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. متغیر مسافت اثر مثبت بر جریان گردشگری دارد؛ به‌طوری‌که یک درصد افزایش در مسافت به افزایش تعداد گردشگران

به اندازه $2/688385$ درصد منجر می‌شود. این متغیر به لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. با توجه به نمونه انتخابی می‌توان اذعان داشت که اثر متغیر مسافت بین دو شهر بزرگ کشورهای مورد مطالعه، بر جریان ورود گردشگر مثبت بوده و افزایش مسافت بین کشورها مانع کاهش ورود جریان گردشگر به کشورهای مورد بررسی نشده است. در واقع، به علت وجود جاذبه‌های گردشگری مختلف در این کشورها و همچنین، اماکن مذهبی زیارتی و به علت اینکه کشورهای مورد مطالعه مسلمان بوده‌اند. علی‌رغم هزینه‌های حمل‌ونقل و سایر هزینه‌های جانبی، با توجه به اینکه امروزه پروازهای مختلف به اقصی نقاط جهان وجود دارد، مسافت مانعی برای جذب گردشگر در این کشورها ندارد. همچنین، ممکن است که گردشگران در زمان‌های دورتر به کشورهای با مسافت نزدیک سفر کرده‌اند و امروزه جاذبه سفر به کشورهای دورتر بالاتر رفته است. و از سوی دیگر، علی‌رغم هزینه کم سفر به کشورهای نزدیک‌تر که به عنوان حسن تلقی می‌شود، جاذبه‌های گردشگری کشورهای با مسافت‌های دورتر بیشتر است. داشتن زبان مشترک، اثر مثبت در جریان گردشگری دارد؛ چراکه زبان و ارتباط زبانی مهم‌ترین مسئله سفر بوده و هرچه هم‌زبانی بین دو کشور وجود داشته باشد، روند گردشگری آسان‌تر خواهد بود یا می‌توان با نهادینه‌سازی آموزش زبان بین‌المللی انگلیسی بر این مشکل فائق آمد. داشتن زبان مشترک، به عنوان متغیر دامی می‌تواند اثر مثبت به اندازه $0/6349751$ درصد بر جریان گردشگری داشته باشد. این ضریب به لحاظ آماری در سطح ده درصد معنی‌دار است. مستعمره‌بودن به عنوان متغیر دامی دیگر می‌تواند اثر مثبت بر تعداد گردشگران داشته باشد؛ به طوری که با افزایش یک درصدی در این شاخص، جریان گردشگری به میزان $0/33115$ درصد افزایش می‌یابد، اما این متغیر به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. متغیر مجازی داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک بین کشورهای مورد مطالعه اثر مثبت در روند گردشگری دارد؛ چراکه داشتن همکاری‌های اقتصادی به شناخت سلاقی مصرف‌کنندگان کشور مقابل و شناخت بازارهای تجاری طرف منجر شده و با این شناخت‌ها در فراهم‌آوردن نیازهای مصرفی گردشگران وارد شده از کشورهای عضو تفاهم‌نامه مشکلی نخواهد بود. اثر این متغیر در مطالعه حاضر منفی بوده و ضریب آن بسیار ناچیز معادل $0/0484269$ درصد بوده، اما از نظر آماری معنی‌دار نیست. می‌توان این‌گونه توجیه کرد که جریان گردشگری در کشورهای اسلامی، تحت تأثیر تفاهم‌نامه‌های تجاری بین کشورها نبوده است. عرض از مبدأ مدل حاضر برابر $15/59935$ - بوده و ضریب آن در سطح اطمینان یک درصد به لحاظ آماری معنی‌دار هست.

نتایج مطالعه حاضر در علامت متغیرهای توضیحی مورد استفاده، شامل رژیم‌های ارزی، تجارت، تولید ناخالص داخلی، جمعیت، داشتن زبان مشترک و مستعمره‌بودن متغیر تلفیقی شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ ارز مؤثر، نرخ ارز اثر منفی و داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک مطابق مطالعات تجربی صورت گرفته توسط گالجا و همکاران (۲۰۰۷) و (۲۰۱۰) و دی ویتا و همکاران (۲۰۱۴) است. این محققان، اولین بار به مطالعه اثر رژیم‌های ارزی بر جریان گردشگری بین‌المللی پرداخته‌اند و در کنار این متغیر مهم، برخی متغیرهای توضیحی دیگر را نیز وارد مدل کرده‌اند که به پیروی از آن‌ها مطالعه حاضر نیز این متغیرها را در مدل‌سنجی لحاظ کرده و علامت تمام متغیرهای مذکور مطابق مبانی نظری و مطالعات تجربی صورت گرفته است. متغیر مسافت بین کشورها، علی‌رغم منفی‌بودن علامت آن در مطالعات قبلی به دلیل وجود هزینه‌ها به عنوان بازدارنده گردشگران از سفر به نقاط دوردست، در مطالعه حاضر مثبت بوده است. این علامت می‌تواند این‌گونه توجیه شود که کشورهای مورد مطالعه از جاذبه‌های گردشگری بالایی برخوردار بوده‌اند و همین‌طور قطب جاذبه‌های مذهبی به‌شمار می‌روند؛ بنابراین، مسافت نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب مقصد گردشگران نداشته است.

نتیجه‌گیری

این مطالعه به بررسی اثر رژیم‌های ارزی بر جریان گردشگری بین‌المللی ۱۴ کشور منتخب اسلامی شامل بحرین، ایران، عراق، مصر، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، یمن، سوریه، لبنان، اردن و عمان در بازه زمانی ۱۹۹۳-۲۰۱۳ با استفاده از روش جاذبه پرداخته است. نتایج نشان‌دهنده تأثیر بالای رژیم‌های ارزی در جریان گردشگری بین‌المللی است که داشتن رژیم ارزی ثابت به دلیل عدم نوسانات بالای ارزی و هزینه‌های پایین مبادله ارز و عدم وجود نااطمینانی‌های رژیم‌های ارزی شناور و شناور مدیریت شده، تأثیر خوبی در روند ورود گردشگران می‌گذارد. این مطالعه، به شناسایی اثرات مختلف رژیم‌های ارزی و اهمیت حفظ ثبات نرخ ارز در جذب گردشگران تأکید دارد. این درحالی است که بسیاری از عوامل مؤثر در تقاضای گردشگری مانند شرایط جوی از کنترل سیاست‌گذاران خارج است. انتخاب رژیم ارزی برای کشورها، نتیجه تصمیمات سیاستی است. همچنین تجارت، تولید ناخالص داخلی، مسافت، جمعیت، داشتن زبان مشترک و مستعمره‌بودن، اثر مثبت بر جریان گردشگری دارد و متغیر تلفیقی شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ ارز مؤثر، نرخ ارز اثر منفی و داشتن تفاهم‌نامه تجاری مشترک بر جریان گردشگری دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده، به سیاست‌گذاران و مسئولان پیشنهاد می‌شود که بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه، از صنعت گردشگری به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند که می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های گردشگری از این منبع، درآمدی استفاده شود. با توجه به اینکه رژیم ارزی ثابت، هزینه‌های مبادله‌ای و عدم اطمینان از فضای بازار ارز را ندارد، پیشنهاد می‌شود که کشورهای درحال توسعه این سیستم ارزی را در پیش گیرند. داشتن جمعیت فعال در ارائه خدمات گردشگری اعم از هتلداری، نقل و انتقال، راهنمای گردشگری و سایر خدمات گردشگری مؤثر است و این صنعت در ایجاد اشتغال برای جوانان نیز کارساز خواهد بود. متغیر مسافت اثر مثبت بر روند گردشگری دارد؛ چراکه کشورهای مورد مطالعه به‌طور عمده مسلمان بوده و مراکز مذهبی نیز در این کشورها قرار دارند؛ بنابراین، مسافت طولانی دلیل بر عدم سفر گردشگران به این کشورها نمی‌شود. در این راستا، به مدیران پیشنهاد می‌شود جریان رفت و آمد را از طریق ایجاد بسترهای امن ارتباطی تسهیل بخشند و سعی در توسعه مراکز گردشگری در کشور برای جذب گردشگر کنند. داشتن تفاهم‌نامه مشترک نیز در روند گردشگری اثر مثبت داشته؛ اگرچه این متغیر به دلایلی مانند نزدیکی مسافتی کشورها در مطالعه حاضر به لحاظ آماری بی‌معنی است. در ادامه پیشنهاد می‌شود، روابط تجاری بین کشورها به دلیل شناخت ظرفیت‌ها و بازارهای هدف در جهت تسخیر بازارها و شناخت سلیقه مصرف‌کنندگان کشور هدف گسترش یابد و تلاش‌هایی برای برقراری روابط و مناسبات تجاری بیشتر با کشورهای دورتر صورت گیرد. داشتن زبان مشترک نیز در جذب گردشگری اثر مثبت دارد؛ چراکه مشکل عمده گردشگران داشتن ارتباط زبانی است و به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود، آموزش زبان‌های مختلف را از طریق فرهنگ‌سازی به یک فرهنگ تبدیل کنند و از این طریق، مشکل عمده گردشگران حل شود.

منابع

۱. لطفی، صدیقه (۱۳۸۴) نگرش سیستمی لازمه پایداری گردشگری در مازندران، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری نقش صنعت گردشگری در توسعه استان مازندران، تهران، انتشارات رسانش، صص. ۷۳-۶۰.
۲. طهماسبی پاشا، جمعی و مجیدی، روفیا (۱۳۸۴) چشم‌انداز گردشگری سواحل جنوبی دریای خزر و آثار آن بر توسعه شهرها و روستاهای منطقه، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری استان مازندران، تهران، انتشارات رسانش، صص. ۴۹-۳۸.
۳. عاطفی‌منش، رؤیا (۱۳۹۳) مروری بر رژیم‌های ارزی مختلف و گزینه مناسب برای امارات متحده عربی، مجله اقتصادی تهران، شماره ۹، صص. ۱۰۲-۸۳.

۴. Adam, Christopher & Cobham, David. (2006) Exchange Rate Regimes and Trade, Centre for Economic Reform and Transformation, Herriot-Watt University Edinburgh, Also in Money Macro and Finance Research Conference, 9.
۵. Akay, Ghokhan. & Cifter, Atila & Teke, Ozdemir (2015) Turkish Tourism, Exchange Rate and Income, *Tourism Economics*, Vol 8, No. 15, pp. 1- 21.
۶. Akmese, Halil. & Aras, Sercan & Akmese, Kadriye (2016) Financial Performance and Social Media: A Research on Tourism Enterprises Quoted in Istanbul Stock Exchange (BIST), *Procedia Economics and Finance*, Vol 39, No 3, pp. 705– 710.
۷. Akay, Ghokhan. & Cifter, Atila & Teke, Ozdemir. (2016) Turkish Tourism, Exchange Rate and Income, *Tourism Economics*, Vol 23, No 1, pp. 99- 112.
۸. Barro, Robert & Gordon, David (1983) A Positive Theory of Monetary Policy in a Natural Rate Model, *Journal of Political Economics*, Vol 91, No 4, pp. 589- 610.
۹. Bond, David & Cohen, Bingo & Schachter, Ghokhan (1997) The Spatial Distribution of Tourism Demand and Exchange Rate Variation: OECD European Countries, *Tourism Review*, Vol 32, No. 1, pp. 13- 17.
۱۰. Broda, Christian (2004) Term of Trade and Exchange Rate Regimes in Developing Countries, *Journal of International Economics*, Vol 63, No. 1, pp. 31- 58.
۱۱. Bruno, Michael (1991) High Inflation and the Nominal Anchors of an Open Economy, *Journal of International Finance*, Vol. 23, No 4, pp. 3-26.
۱۲. Chang, Roberto & Velasco, Andre (2001) A Model of Currency Crises in Emerging Market, *Journal of Economics*, Vol 116, No. 2, pp. 489- 517.
۱۳. Cheng, Kim & Thompson, Henry (2013) The Real Exchange Rate and the Balance of Trade in US Tourism, *International Review of Economics and Finance*, Vol 25, No. 3, pp. 122- 128.
۱۴. Crouch, Geoffrey. (1994) The Study of International Tourism Demand: a Survey of Practice, *Journal of Travel Research*, Vol 32, No. 2, pp. 12- 23.
۱۵. Culiuc, Alexander. (2014) Determinants of International Tourism, working paper.
۱۶. De Vita, Glauco & Abbott, Andrew (2004) The Impact of Exchange Rate Volatility on UK Exports to EU Countries, *Scottish Journal of Political Economy*, Vol 51, No. 2, pp. 62- 8.
۱۷. De Vita, Glauco. (2014) The Long Run Impact of Exchange Rate Regimes on International Tourism Flows, *Journal of Tourism Management*, Vol 45, No. 3, pp. 226- 233.
۱۸. Dritsakis, Nikolaos. & Gialetaki, Katerina. (2004) Co Integration Analysis of Tourism Revenues by the Member Countries of the European Union to Greece, *Tourism Analysis*, Vol 9, No. 3, pp. 179-186.
۱۹. Eilat, Yung. & Einav, Linda. (2004) Determinants of International Tourism: a Three Dimensional Panel Data Analysis, *Applied Economics*, Vol 36, No. 3, pp. 1315- 1۳۲۷.
۲۰. Frankel, Jeffrey. & Rose, Andrew. (2002) An Estimate of the Effect of Common Currencies on Trade and Income, *Quarterly Journal of Economics*, Vol 117, No. 2, pp. 437- 4۶۶.
۲۱. Frankle, Jeffrey. (1999) No Single Currency is Right for all Countries or at all Time, *Journal of International Finance*. Vol. 42, No. 3, pp. 255-274.
۲۲. Friedman, Milton. (1953) The Case for Flexible Exchange Rate, *Journal of Positive Economics*, Chicago: University of Chicago Press. Vol. 2, No. 1, pp. 3-43.
۲۳. Gallego, Santana. & Rodriguez, Ledesma. & Rodriguez, Perez (2016) Exchange Rate Regimes and Tourism, *Tourism Economics*, Vol 16, No 2, pp. 25- 43.
۲۴. Gil- Pareja, Santana. & Liorca-Vivero, Rose. & Martinez- Serrano, Jeffry (2006) The Effect of EMU on Tourism, *Review of International Economics*, Vol 14, No. 2, pp. 3-27
۲۵. Gil-Pareja, Santana (2007) The Effect of EMU on Tourism, *Review of International Economics*, Vol 15, No. 4, pp. 303- 312.

۳۶. Goldstein, Morris. (2002) Managed Floating Plus, Journal of International Economics, Washington D. C.
۳۷. International Monetary Fund (2012) Annual Report on Exchange Arrangements and Exchange Restrictions, Washington, D. C.: International Monetary Fund.
۳۸. Ledesma, Rodriguez., & Perez, Rodriguez., & Santana, Gallego (2012) On the Impact of the Euro on International Tourism.
۳۹. Lim, Christine. (1997) Review of International Tourism Demand Models, Annals of Tourism Research, Vol 24, No. 4, pp. 835- 849.
۴۰. Mandell, Robert. (1961) The Theory of Optimum Currency Areas, American Economic Reviews, Vol 51, No. 4, pp. 657-661.
۴۱. Marin, Dalia. (1992) Is the Export Led Growth Hypothesis Valid for Industrialization Countries?, Review of Economics and Statistics, Vol 74, No. 4, pp. 678- 688.
۴۲. Nurkse, Ragnar. (1944) International Currency Experience, Geneva League of Nations.
۴۳. Obstfeld, Maurice & Kenneth Rogoff (1995) The Mirage of Fixed Exchange Rates, Journal of Economics, Vol 9, No. 4, pp. 73- 96.
۴۴. Patsouratis, Vasilios. & Frangouli, Kenneth. & Anastasopoulos, George (2005) Competition in Tourism among the Mediterranean Countries, Applied Economics, Vol 37, No. 7, pp. 1865- 1870.
۴۵. Reinhart, Carmen. & Rogoff, Kenneth. (2004) The Modern History of Exchange Rate Arrangement: a Reinter Pretention, Journal of Economics, Vol 119, No 1, pp. 1- 4۸.
۴۶. Rose, Andrew. K. (2000) One Money, one Market, Estimating the Effect of Common Currency on Trade, Economic Policy, Vol 20, No. 4, pp. 9- 45.
۴۷. Rose, Andrew. K. (2001) Currency Unions and Trade: the Effect is Large, Economic Policy, Vol 33, No. 16, pp. 449- 461.
۴۸. Rose, Andrew. K & Van, Wincoop. (2001) National Money as a Barrier to Trade, American Economic Review, Vol 91, No 2, pp. 386- 390.
۴۹. Santana, Gallego., & Ledesma, Rodriguez., & Perez, Rodriguez. (2010) Exchange Rate Regimes and Tourism, Tourism Economics, Vol 16, No. 1, pp. 25- 43.
۴۰. Thompson, Alexi. & Thompson, Khan. (2010) The Exchange Rate, Euro, Switch and Tourism Revenue in Greece, Tourism Economics, Vol 16, No. 3, pp. 73- 778.
۴۱. Witt, Saul (1980) An Abstract Mode Abstract (Destination) Node Model of Foreign Holiday`s Demand, Applied Economics, Vol 12, No. 3, pp. 163- 180.